



گفتگویی با خانم
«ثابت قدم حقیقی»
کارشناس کشاورزی
و توسعه روستایی
و عشایری

بخش کشاورزی؛ ارزیابی وضع موجود و دورنمای آینده

قسمت اول

استفاده از «غذا» به عنوان «سلاح» امروزه یکی از مهمترین مشکلات جوامع توسعه نیافته است. مردم بسیاری از این کشورها پس از مبارزات طولانی و نهایتاً کسب موفقیت‌های سیاسی، برای برپایی نظام مطلوب خود در عین برخورداری از حمایت‌های بی دریغ مردم و تکیه بر ایثار و فداکاری توده‌ها باید با مشکلاتی برخورد کنند که حل آنها به مراتب پیچیده‌تر و دشوارتر از مراحل قبلی است و یکی از آنها تأمین مواد غذایی در چهارچوب الگوی مصرف مورد قبول جامعه است. این مساله در کشور ما نیز بخصوص با نرخ بالای رشد جمعیت که به دنبال خود افزایش تقاضا و مصرف را نیز به دنبال دارد از حساسیت بسیاری برخوردار است. بنا به اظهارات مقامات مسئول کشورمان، تنها یکی از نتایج افزایش ۲ میلیون نفر در سال بر جمعیت ۵۰ میلیونی ایران، این است که هر ساله باید حداقل برای حفظ وضعیت موجود، ۳۰۰ هزار تن غله، ۵۴ هزار تن برنج و... بر تولید این مواد افزوده شود.

باید فرصت‌ها را مغتنم شمرد و کلیه امکانات را در چهارچوب یک برنامه منظم و اصولی بسیج کرد.

این همه مستلزم آن است که حداقل چهارچوب کار و جهت گیری‌های اساسی در راستای یک استراتژی مشخص و مدون روشن شده و کلیه بحثها حول تنظیم و تدوین روشهای عملی و اجرایی هماهنگ شود. متن زیر حاصل گفتگویی دست اندرکاران اطلاعات سیاسی - اقتصادی با خانم شهیندخت ثابت قدم حقیقی کارشناس کشاورزی و توسعه روستایی و عشایری است که در آن عمده‌ترین مسائل کشاورزی و اساسی‌ترین نیازهای این بخش مورد بحث و گفتگو قرار گرفته است.

□ سؤال - آیا محور بودن کشاورزی در توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور اصولاً صحیح است؟

جواب: قبل از پاسخ به این سؤال مایلیم بر یک نکته تأکید کنم و از شما بخواهم که آن را در نوشته‌هایتان منعکس کنید و آن اینکه اگر در این کشور شرکت می‌کنم و نظر می‌دهم نظراتم کاملاً فردی و متکی بر سوابق تحصیل تجربی خودم و براساس برداشتهایی است که از بازدیدها و بررسی‌های روستایی و عشایری کشور بدست آورده‌ام و اصولاً ربطی به بست سازمان نظرات وزارت متبوعم ندارد.

اما در مورد این سؤال معتقدم ابتدا باید معنی دو واژه «توسعه اقتصادی اجتماعی» و «محور بودن» کاملاً روشن شود و قبل از بحث نسبت به برداشت مشترکی داشته باشیم تا بتوانیم در مورد سؤال شما بحث کنیم. کلی توسعه اقتصادی - اجتماعی در ایران که یک کشور عقب‌نگهداشته و یا توسعه نیافته و یا یکی از کشورهای جهان سوم قلمداد می‌شود، با اهداف توسعه در جهان صنعتی و اقتصادهای مسلط جهانی متفاوت بوده و در آرمانها و ارزشهایی به شرح زیر مطرح است:

۱- کوشش و خواست جامعه برای رهایی از وابستگی.
۲- رهایی از وابستگی شدید کشور به صادرات تک محصولی (تفنگ) ۳- مبارزه با خواست نظام مسلط اقتصاد جهانی در عقب‌نگهداشتن و نظر اقتصادی، اجتماعی و تلاش در جهت برقراری یک رابطه مبادله بین ایران و سایر کشورهای جهان.
۴- تأمین خودکفائی در سطح نیازمندیهای اساسی غذایی براساس شرایط معقول تغذیه‌ای و بهداشتی و الگوهای مصرف و مناسب با شرایط فنون کاهش فقر و بهبود تغذیه و بهداشت.

۵- تأمین خودکفائی در محصولات کشاورزی مورد نیاز صنایع نهاده‌های کشاورزی و ماشین آلات و ادوات و کالاهای سرمایه‌ای.
۶- رفع نیاز کشور به نیروی انسانی متخصص و متعهد داخلی در تمام سطوح

۷- رفع نیاز کشور به منابع فیزیکی از طریق شناخت و استفاده مطلوب از منابع و امکانات و ظرفیت‌های موجود و توسعه بهره‌برداری از منابع، امکانات و ظرفیت‌های جدید.

۸- سوادآموزی به مفهوم افزایش دانش و مهارت و معرفت و تخصص در و حرفه‌ای مختص به کار و جامعه و یا انجام آگاهانه مجموعه کارهایی که انجام می‌شود.

۹- افزایش درآمد سرانه به منظور کاهش فقر و بالاخص تلاش در توزیع مناسب آن بین جامعه شهری و روستایی از یک طرف و توزیع صحیح آن بین بخشهای مختلف اقتصادی.

۱۰- ایجاد کار مناسب برای همه و رفع بیکاری‌های پنهان و آشکار از طریق دفع جاذبه‌های اشتغال کاذب و درآمدهای سهل‌الوصول در سایر بخشها
۱۱- شناخت فرهنگ اصیل روستایی و عشایری و ارزشهای والایی آن و وابستگی‌های احتمالی آن به نظام‌های ارزشی بیگانه و سعی در بهبود اصلاح و بازگرداندن آن به جامعه.

۱۲- شناخت و اشاعه تکنولوژی، علوم، فنون، فرهنگهای تخصصی علمی که متناسب با ویژگیهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه باشد و رفع وابستگی شدید به تکنولوژی نامناسب وارداتی.

۱۳- رفع نابرابریهای اجتماعی در امر مالکیت و نظامهای بهره‌برداری منابع آب و خاک و دام و عرضه خدمات فنی، زیربنایی، رفاهی، آموزش درمانی، نهاده‌ها و اعتبارات و سرمایه‌گذارهای دولتی.

۱۴- عدم تمرکز و تمرکززدائی و جلب مشارکت مردم و واگذاری کار آنها به خودشان به نحوی که موجبات رشد و تعالی و نوآوری و ابتکار و خلاقیت انسانها را فراهم آورد، پدیده‌ی است مشارکت آگاهانه و ارادی مردم در تمام مراحل شناخت، تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، اجرا و بهره‌برداری موجبات رشد فردی و توسعه کشور را فراهم می‌کند.

۱۵- برقراری توازن در توسعه زیرساختهای اقتصادی - اجتماعی و بخصوص رشد متوازن بخشهای اقتصادی همگام با رشد آموزش و پرورش، اعتدالی فرهنگ و داشتن انسانهای معتقد، سالم، متفکر، ماهر و متخصص. همان‌طور که ملاحظه می‌کنید آرمانها و ارزشهای فوق‌عارج از چهارچوب قانون اساسی کشور نبوده و همچنین توسعه جز فرایند یا پروسه و یا طی مراحل تغییر و تحول انسان و جامعه به سوی تعالی نمی‌باشد. توسعه پیش جنبه پویا و متغیر داشته و ریشه در فرهنگ جامعه دارد و مبتنی بر ارزشهای

دانشی و فرهنگی جامعه است، توسعه پاسخگویی نیازهای اساسی جامعه بوده است. محرومیت زدانی و جلب مشارکت آگاهانه و ارادی خواست، نیاز، رنگ و ارزشهای مردم و جامعه است. توسعه فرایندی است منطقی در جهت تکمیل ابتکارات، نوآوریها و خلاقیت های فکری و یدی جامعه و باید در جهت استقلال سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جامعه حرکت کند.

با توجه به این تعریف اگر استراتژی کلی توسعه - یعنی مجموعه خط های (تصمیمات و یا معیارهای کلی) که اتخاذ آن ها رسیدن به هدفهای ملی یا ارمانها و خواسته های دور دست را محقق می سازد - بر این باشد که استراتژی محور توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور قرار گیرد و قصد مسئولین در توسعه اقتصادی از ذکر کلمه «محور بودن»، دادن اولویت به این بخش است. می توان چنین گفت که هدف مسئولین نظام اقتصادی اجتماعی این بوده که در اتخاذ خط مشی ها و تصمیمات و تعیین معیارهای کلی، اولویت به بخش کشاورزی داده شود، حال باید دید که چگونه به برنامه ریزی که عبارتست از، کار گیری روشهای علمی و فرایند پویای تعیین اهداف بهینه و راههای مطلوب رسیدن به اهداف، می توان به بخش کشاورزی اولویت داد. مسلماً این اولویت به این معنی است که به حساب آوردن یک جای تمام متغیرها و بین این متغیرها است خیلی مشکل نیست و می توان در روابط و معادلات و تحلیل کمی متغیرها، روابط را آنچنان در نظر گرفت که اولویت به بخش کشاورزی داده شود ولی باید دید که نتیجه عملی آن چه می شود. به نظر می رسد که نتیجه تحلیلهای کمی فوق در رابطه با اولویت دادن به بخش کشاورزی باید نشان بدهد که از امکانات مالی، فیزیکی، تجهیزاتی و نیروی انسانی متخصص و متعهد، سهم بسیار زیادی به بخش کشاورزی اختصاص داده شود و در تنظیم روابط و جداول داده ها و ستاده ها بین بخشها، بخشی کلان و حیاتی منطقه ای ضروری باشد که بسیاری از تولیدات سایر بخشها از جمله صنایع، آموزش، فرهنگ، آب و... در اختیار بخش کشاورزی قرار گیرد و این امر نیز نیست جز متوازن کردن رشد بخشهای اقتصادی و فراهم آوردن زیر بنای اقتصادی، اجتماعی، و یا یک توسعه موزون و هماهنگ و همه جانبه. به هر حال ضرورت دادن اولویت به بخش کشاورزی با توجه به واردات و صادرات محصولات اساسی غذایی و نهاده ها و عوامل تولید مورد نیاز این بخش و بیستگي شدید اقتصاد کشور در این رابطه را نمی توان نفی کرد ولی به هر حال تکرار این کلمات و بازی با آنها و بدون توجه به ضرورت شناخت تمامی امکانات و بدون برنامه ریزی توسعه اقتصادی اجتماعی نمی توان آنرا رد و یا تایید نمود.

سابق محور بودن بخش کشاورزی

سؤال - بعد از جنگ بین الملل دوم همیشه بین متخصصان توسعه بحث بوده است که کشاورزی باید در مرکز توسعه قرار بگیرد یا صنعت. با توجه به محدودیت فرصت توسعه برای کشورهای در حال رشد و اینکه ایران از نظر کشاورزی کشوری کم استعداد و خشک محسوب می شود و با توجه به نرخ رشد ۴ درصد جمعیت کشور، آیا این امکان وجود دارد که بخش کشاورزی بتواند سریعاً سرمایه گذاریهای ما را پس بدهد و ارزش افزوده را برای توسعه فراهم کند؟

جواب - همان طور که قبلاً توضیح دادم اگر محور توسعه قرار گرفتن کشاورزی، به مفهوم دادن اولویت و تاکید خاص به بخش کشاورزی باشد و به مراحل مختلف یک برنامه ریزی صحیح نیز طی بشود نتیجه آن چیزی جز توسعه متوازن و همگن نخواهد بود. رشد متوازن هم یعنی اینکه همه بخشها عادلانه و توازن با یکدیگر توسعه یابند. پس ممکن است «محور بودن کشاورزی» تنها به عنوان یک استراتژی کلی و یا آن طور که بعضی ها عنوان می کنند به عنوان یک تاکتیک مطرح باشد ولی به هر حال باید محور قرار دادن بخش کشاورزی به یک رشد و توسعه متوازن ختم شود. من به هیچ وجه به این فکر نمی کنم که باید بخش کشاورزی رشد یابد یا بخش صنعتی اعتقاد ندارم و معتقدم باید دو بخش باید کاملاً موازی با یکدیگر رشد کنند. در مورد بخش هم که مورد توجه ایران مطرح کردید باید بگویم که به نظر من علیرغم خشک بودن ایران و بیابانها و اینکه کشور ما در یک منطقه خشک قرار گرفته است ولی کشور ما در زمینه ظرفیت ها، منابع و امکانات بالقوه ای است که هنوز بالفعل نشده است و با بهره برداری صحیح از آنها امکان تامین خود کفایی در حد تامین نیازهای اساسی در یک الگوی صحیح بهداشتی و تغذیه ای وجود دارد و ما

□ تاکید بر محور بودن بخش کشاورزی بیشتر جنبه آرمانی داشته و منظور این بوده که تاکید خاصی بر کشاورزی نشود.

■ اگر مسائل تولید کننده حل نشود، به او آموزش داده نشود، کالری و مواد غذایی لازم به او نرسد و مواد اولیه مورد نیازش تامین نشود، مطمئناً نمی تواند مولد باشد.

□ اگرچه پایه و اساس توسعه باید بر رشد تولیدات و رشد اقتصادی باشد ولی جهت گیری توسعه بایستی در جهت حل مسائل زندگی انسانهایی قرار گیرد که در توسعه نقش دارند و در واقع بستر تولید می باشند.

■ کشور ما برخوردار از ظرفیت ها، منابع و امکانات بالقوه ای است که با بهره برداری از آنها امکان تامین خود کفایی وجود دارد.

با این امکانات می توانیم یک رشد قابل قبولی داشته باشیم، به شرط اینکه در کشور ما یک تفکر همه جانبه ای قبل از عملیات اجرایی صورت بگیرد و برنامه های کامل و جامعی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی تنظیم شود که لازم آن، این است که نسبت به استراتژی توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور تصمیم گیری شود، جهت گیریهای کلی مشخص شود، منابع و امکانات به طور کلی شناسایی شود و در نهایت با توجه به مسائل فوق، برنامه اجرایی تنظیم شود. البته در این میان مهمترین نکته این است که تمام این مسائل باید با یک تغییر اساسی و بنیادی در روش های اجرایی همراه باشد والا اگر بخواهیم نسبت سرمایه به تولید یا نوع سرمایه گذاریها را مثل گذشته بگیریم و اگر شیوه های اجرایی کار به جای اینکه مردمی باشد باز به طرحهای سرمایه طلب که به تکنولوژی بسیار پیشرفته احتیاج دارند متکی باشد، مسلماً ما به آن رشد و توسعه مطلوب نخواهیم رسید.

□ سؤال - بخش کشاورزی می تواند با پیش فرضهای متعددی محور توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور قرار بگیرد. مثلاً اینکه در شرایط بحرانی و کاهش درآمدهای ارزی، ضربه پذیری بخش کشاورزی از سایر بخشها کمتر است و یا اینکه برای توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور بخش کشاورزی می تواند مازاد اولیه مورد نیاز را فراهم کند و یا فرضیات دیگری که هر یک می تواند به نوبه خود مورد بررسی قرار گیرد. اما آنچه که شما بر آن تاکید داشتید یعنی ضرورت رشد و توسعه متوازن و همگون، بیانگر این است که بنظر شما رشد اقتصادی بدون توسعه و بدون ایجاد عدالت اجتماعی و یا ایجاد عدالت و توازن بین سایر بخشها عملی نمی باشد، بنابراین با توجه به این تلقی به نظر شما چرا در برنامه توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور باید به بخش کشاورزی اولویت داده شود آیا می توان گفت که برنامه ریزان اولیه انقلاب به ضرورت رسیدن به توسعه همگون و ایجاد عدالت اجتماعی تکیه داشتند تا رشد اقتصادی صرف و همین پیش فرض باعث شده است که بخش کشاورزی را محور توسعه قرار دهند تا از این طریق تبعیضاتی که نسبت به فعالیتهای کشاورزی صورت گرفته است را رفع کنند؟

جواب - البته من در تهیه برنامه اول توسعه اقتصادی و اجتماعی جمهوری اسلامی هیچ مشارکتی نداشتم و فقط نقدی بر آن نوشتم که در همان موقع نیز به مجلس دادم و به هر حال نظر آن برنامه ریزان را نمی توانم بیان کنم، ولی همین قدر می دانم که در طرح اولیه، محور را - که من اصلاً با این کلمه موافق نیستم - صنعت قرار داده بودند و در آن مدل کلان و تحلیل کمی ای که از رشد بخشهای مختلف داشتند، صنعت دارای رشد بیشتری بود ولی این مفهوم نیز مطرح شده بود که اگر شرایطی باشد که کشور درآمد ارزی نداشته باشد، آیا این صنعت می تواند به فعالیت خود ادامه دهد یا نه؟ طبیعی است که در آن زمان



□ می توان در روابط و معادلات و تحلیل کمی متغیرها، روابط را آن چنان در نظر گرفت که اولویت به بخش کشاورزی داده شود ولی باید دید که نتیجه عملی آن چه می شود.

■ اگر محور توسعه قرار گرفتن کشاورزی به منظور دادن اولویت و تأکید خاص به بخش کشاورزی باشد و تمام مراحل مختلف یک برنامه ریزی صحیح نیز طی بشود نتیجه آن چیزی جز یک توسعه متوازن و همگن نخواهد بود.

□ من به این بحث که باید بخش کشاورزی رشد یابد یا بخش صنعتی اعتقاد ندارم و معتقدم که این دو بخش باید کاملاً متوازی با یکدیگر رشد کنند.

می توان گفت که محور قرار دادن بخش کشاورزی به اعتبار مراحل خاصی با توجه به شرایط خاصی که ممکن است بوجود آید مطرح شده است و لذا طرح آنرا یک تاکتیک مرحله ای تلقی کرد.
 جواب ○ - می شود این تعبیر را به کار برد ولی من اعتقاد ندارم که اگر آینده درآمد نفتی هم داشته باشیم بدون داشتن یک برنامه جامع توسعه هر بخشی سرمایه گذاری کنیم. اعتقاد من این است که حتی در بخش صنعت باید سرمایه گذاری به شیوه ای باشد که این خود اتکالی و خود کفایی به منظور واقعی کلمه اش یعنی افزایش همه ظرفیتها و بهره برداری صحیح و منطقی عقلایی از تمام ظرفیتها تحقق یابد.

محدودیت امکانات بخش کشاورزی

□ سؤال - بجز این مسئله که محور قرار گرفتن بخش کشاورزی ممکن است یک شعار تاکتیکی باشد، بحث دیگر این است که بهر حال رشد بخش کشاورزی یک سقف و حد مشخصی دارد. هر چند مطرح می شود که در حال حاضر از همه امکانات آب و خاک این کشور استفاده نمی شود ولی بهر حال می دانیم که این امکانات ظرفیت نسبتاً ثابتی دارد و اگر فی المثل الان از ۳۰ تا ۴۰ میلیون هکتار زمین زراعی استفاده می شود ممکن است با برنامه ریزی بیشتر از ۳۰ و یا حتی ۴۰ میلیون هکتار زمین بهره برداری کرد ولی دیگر بیشتر از آن سقف نمی توان جلورفت، بنابراین با توجه به این مساله آیا محور قرار گرفتن بخش کشاورزی، یک شعار مرحله ای محسوب نمی شود؟

جواب - در یک برنامه دورنگری که ما روی آن کار کارشناسی کرده ایم به این نتیجه رسیدیم که در یک دوره ۲۰ ساله اگر تمام روشها عوض بشوند نوع سرمایه گذاریها تغییر کند و ما واقعاً دنبال توسعه متوازن باشیم و دلیل به یک بخش خاصی اولویت ندهیم، نتایج عملکرد بخش کشاورزی می تواند در حد تامین همان الگوی تعریف شده خود کفایی باشد. این به منظور وارد نکردن تمام محصولات نیست، بلکه درجهایی که امکانات و ظرفیتها را داریم و محاسبات اقتصادی و اجتماعی ما با توجه به عوامل واقعی و در نرخ ارز - نه بازار - و ملاحظات سیاسی و اجتماعی به ما نشان می دهد صلاح است کالای خاصی را در داخل تولید کنیم، باید نسبت به تولید آن اقدام کنیم. پس اولویت دادن به این معنا نیست که تمام سرمایه ها به یک بخش برود بلکه اولویت دادن یعنی اینکه شروع حرکت در هدف گذاری با تأکید بر بخش کشاورزی باشد و بعد ببینیم که در برنامه توسعه، سایر بخشها چگونه دنبال این بخش می آیند و چگونه باید رشد کنند.

مطرح شد که این صنعت وابسته متکی به واردات است و یک چنین صنعتی نمی تواند در سناریویی که در آن درآمد ارزی حاصل از فروش نفت نخواهیم داشت رشد فزاینده و بالایی داشته باشد. البته مجلس در آن زمان اعلام کرده بود که اولویت رشد اقتصادی صرف را کمتر کرده و اولویت بیشتری به بخش کشاورزی بدهیم و این مسئله هیچ اشکالی ندارد. در همه نظامهای برنامه ریزی می توان رهنمود داد و اولویتها را مشخص کرد ولی آنچه که من روی آن تأکید دارم این است که ولو به یک بخشی اولویت داده شود، اگر تمام مراحل برنامه ریزی انجام شود، نه این برنامه ای که تنظیم شده است - تحلیل های کمی به صورت یک جا انجام شود، جداول داده ها و ستاده ها تنظیم شود و روابط و معادلات بین بخشها مشخص شود، دیگر اولویت دادن به یک بخش هیچ فرقی در نتایج حاصله نمی کند. اگر چه ممکن است ما از نظر آرمانی و یا به لحاظ تاکتیکی اولویت را مثلاً به بخش کشاورزی و یا صنعت بدهیم ولی اگر مراحل برنامه ریزی به طور صحیح دنبال شود ولو به یک بخش خاص هم اولویت داده شود، این اولویت در یک برنامه جامع توسعه به دنبال خود رشد و توسعه سایر بخشها را نیز خواهد داشت و لذا اگر این فرایند درست جلو برود به یک توسعه متوازن منجر می شود.

بهر حال من فکر می کنم تأکید بر محور بودن بخش کشاورزی، بیشتر جنبه آرمانی داشته است و منظور این بوده که تأکید خاصی بر کشاورزی بشود بخصوص که اگر ما در شرایطی قرار بگیریم که هیچ نوع درآمد ارزی نداشته باشیم ولو اینکه برنامه جامع و کاملی هم نداشته باشیم، بنظر می رسد که باید اولویت به بخش کشاورزی داده شود. زیرا اگر در آمد ارزی نداشته باشیم دیگر ۳ و ۴ میلیون تن گندم، چند میلیون تن جو، خوراک دام، شکر و برنج را نمی توانیم وارد کنیم و لذا از این جهت هم باید تأکید خاصی روی بخش کشاورزی باشد. در اینجا باید به یک نکته ای هم اشاره شود که فقط ذکر کلمه محور بودن به خودی خود هیچ مشکلی را حل نمی کند و این مستلزم یک برنامه ریزی همه جانبه است که در آن فقط به مسئله تولید به تنهایی نگاه نشود و مسائل اجتماعی مرتبط با آن نیز در نظر گرفته شود، زیرا کشاورزی هر چند که یک بخش تولیدی و اقتصادی است ولی بستر آن را یک جامعه که شامل جامعه روستایی، عشایری و شهری است تشکیل می دهد و اگر مسائل تولید کننده حل نشود، به او آموزش داده نشود، تغذیه وی حاصل نشود و کالری و مواد غذایی لازم به او نرسد و مواد اولیه مورد نیازش تامین نشود، مطمئناً وی نمی تواند مولد باشد. اگر هیچ حرکتی در مورد تامین نیازهای اساسی تولید کننده انجام نشود و به خصوص زیربنا و بستر کار برای وی فراهم نباشد حتی اگر پول زیادتری هم به وی داده شود، بازه مطلوب حاصل نخواهد شد.

□ سؤال - بنابراین با توجه به ضرورت توسعه همگون «که شما مطرح کردید



بشر کشورهای که امروزه گروه کشورهای آمریکای را تشکیل می دهند، در قرن شانزدهم میلادی پس از کشف قاره آمریکا به صورت مستعمره اسپانیا درآمدند. قاره نیز به زیر سلطه پرتغال کشیده شدند تسلط این دو کشور بر آمریکای جنوبی نزدیک به سه قرن طول کشید. در سال ۱۸۰۰ میلادی اعلام کرد که بعد از این هیچ کشور دیگری حق دخالت در امور قاره آمریکا را ندارد. این گفته که او تاریخ سیاسی معروف به «دکترین مونرو» شد. هدف از دنبال می کرد که ایالات متحده آمریکا خود را از دخالت قدرتهای استعماری شود، در ۱۹۰۴ روزولت این سیاست را به درستی روشن کرد و در تفسیر «دکترین مونرو» گفت که لازم است قدرت های اروپایی از این قاره دور بمانند، یک قدرت دیگری لازم است که جای آنها گرفته و در عمل نیز چنان شد چرا که این کشورها عمدتاً بیرونی امپریالیسم آمریکا کشانده شدند.

مطالعه تجربه آمریکای لاتین از چند جهت جذاب و آموزنده است، یکی به جهت سابقه استعماری طولانی و پیوسته و این خاطر که، استقلال سیاسی این کشورها ظاهراً در کشورهای مستعمره جهان سوم زودتر به دست آمد. استقلال سیاسی این ممالک در نیمه اول قرن نوزدهم میلادی و تنها استثناء کوبا بود که در ۱۹۰۱ میلادی به استقلال یافت.

مطالعه تجربه ترفیق و یا شکست این کشورها، در این راههای توسعه و دستاوردهای آنها می تواند برای مردم جهان سوم بر بها باشد.

اما مسائلی در این زمینه تاکنون در زبان فارسی جمع نمی صورت نگرفته و آثار خارجی مفیدی که تاکنون به فارسی برگردانده شده، بسیار محدود و معدود است. و بدین عنوان سیراب کننده آذهنان مشتاق نیست.

مجموعی کتاب را مطالبی همچون سیستم زمین داری و سیر آن بر توسعه و عقب ماندگی آمریکای لاتین، اشکال داخلی و خارجی و سرانجام تاثیر استعمار بر پیش تاریخ این سرزمین شکل می بخشد و اگر چه در تحلیل سیاسی منطقه و تحولات داخلی این کشورها در جنبه ماندگی و درنگشان مسئول شده می شود (ص ۲۷۸) تا مرز نوسنگان، علت اساسی عقب ماندگی، استعمار

استعمار استقلال یافته، در گذشته و حال، به سهولت می تواند میراث اقتصادی قرنهای استعماری را از خود بپایند نمی توانند فاصله بین عقب ماندگی و تجدید، بین کمزوری ابتدایی و پیشرفته، بین درآمد و پس انداز، بین سرمایه گزاریهای ناچیز و وسیع، بین بیسوادی و باسوادی، و در واقع پرستی و فرزانگی، بین جوامع محصور و باز و غیره که جامعه شناسان بر آن تاکید می کنند، فاصله بین ابتدایی را که بر پایه کهنه پرستی استوارند و آن جوامعی که استعمارکار اقدامات اعتیاد انگیز هستند به سرعت پدید می آید (ص ۱۶۶)

معرفی کتاب



چهل و ششمین نشریه مرکز مطالعات و پژوهشهای اداری وابسته سازمان امور اداری و استخدامی کشور، به تازگی منتشر شده است.

این نشریه در پنج فصل گردآوری شده و در فصل نخست به دنبال بحثی در مدیریت دولتی، از سابقه مطالعه تطبیقی در مدیریت دولتی سخن گفته شده است و از پیش کسوتان علم مدیریت و عقاید آنان بحث شده است. به عقیده مولف مطالعه تطبیقی دودف عمده را دنبال می کند:

- ۱- تنظیم یک نظریه عمومی در مدیریت دولتی.
- ۲- تعیین استراتژی ها و الگوهای برای بهبود نظام اداری که خود گام مهمی است برای ترفیق برنامه های توسعه.

در دومین فصل، از ویژگیهای نظام اداری و نظام سیاسی و ترادف و تنباین آن دو گفتگو می شود. به گمان نویسنده: «در مطالعات تطبیقی مدیریت نظام اداری و نظام سیاسی را نباید دو چیز جدا از هم و مجزا و مستقل از یکدیگر در نظر گرفت» (ص ۲۴) بحث از رابطه نظام سیاسی با نظام اداری مولف را به توضیح و تشریح پور و کراسی و مفاهیم آن می کشاند.

توسعه و نوسازی، تعادل و توسعه، سیاست توسعه در کشورهای رویه رشد، مطالب سومین فصل نشریه را به خود اختصاص می دهد.

فصل چهارم از نظام های سیاسی کشورهای در حال توسعه بحث می کند. الگوهای اداری این کشورها را مورد توجه قرار می دهد.

به زعم مولف نظام های اداری کشورهای در حال توسعه دارای ویژگیهای مشترکی است. این ویژگیها عبارتند از:

- ۱- گرایش به تقلید
 - ب- کمبود نیروی متخصص
 - ج- عدم گرایش به اهداف تولید.
 - د- گرایش به استقلال عمل.
- مطالب و موضوعاتی که در آخرین فصل نشریه مورد بحث قرار می گیرند عبارتند از:
- ۱- اگر لوژی نظام های مدیریت دولتی
 - ۲- تحلیل ساختاری - کار کردی
 - ۳- جوامع مشوری
 - ۴- خصوصیات جوامع در حال توسعه
- شد تغییر و تحول در جامعه در حال توسعه

فرم اشتراك اطلاعات سیاسی - اقتصادی

● برای اشتراك «اطلاعات سیاسی - اقتصادی» فرم پشت صفحه را پس از تکمیل بریده و به همراه اصل فیش بانکی حق اشتراك که به حساب ۹۷۰۰ بانک صادرات شعبه فردوسی «۳» تهران (قابل پرداخت در کلیه شعب بانک صادرات و بانکهای استان) واریز شده باشد، با پست سفارشی به نشانی:

تهران - اول خیابان خیام - مؤسسه اطلاعات - دبیرخانه - بخش آبونمان - صندوق پستی ۱۱۳۶۵/۹۳۶۵

ارسال نمایید.

تاریخ شروع اشتراك.....
از شماره.....

حق اشتراك:

یکساله ۱۱۰۰ ریال
شش ماهه ۶۰۰ ریال

تذکرات:

- ۱- برای تسریع در دریافت «اطلاعات سیاسی - اقتصادی» آدرس دقیق خود را به نشانی محل اشتراك بفرستید.
- ۲- در صورت هر گونه تغییر در نشانی، مسئولین اشتراك را در جریان امر قرار دهید.
- ۳- از ارسال هر گونه وجه نقد بابت حق اشتراك خودداری نمایید.
- ۴- اشتراك برای استادان دانشگاهها، دانشجویان و دانش آموزان دبیرستانها نیم بها می باشد. (ارسال فتوکپی کارت تحصیلی برای استفاده از اشتراك نیم بها کافی می باشد.)
- ۵- شماره تلفن بخش آبونمان ۳۲۸۲۶۵

توضیح به مشترکین قبلی

مشترکین محترمی که تا قبل از انتشار شماره یازدهم، درخواست اشتراك نموده اند، تا پایان مدت اشتراك خود، نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی را علیرغم افزایش بهای آن دریافت خواهند کرد و هزینه ارسال نشریه با همان قیمت قبلی (هر شماره ۵۰ ریال) به حساب آنان منظور خواهد شد

سیاست کشاورزی

* نویسنده: ژوزف کلاترمان
* مترجم: بهروز پاکدل
* ناشر: انتشارات امیرکبیر
* تهران ۱۳۶۶

اگر چه این کتاب عمدتاً مسائل کشاورزی فرانسه را مورد بررسی قرار می‌دهد، لیکن در خلال این بررسی از کشورهای دیگر مانند ایالات متحده، انگلیس و ژاپن هم یاد شده است. دامنه پژوهش مولف از کشورهای سرمایه‌داری هم در باره‌ای موارد فراتر می‌رود و کشورهای جهان سوم را نیز در برمی‌گیرد و نتایج کلی صادر می‌کند. گرچه این نتایج در بعضی موارد درست است ولی در بعضی موارد نیز جای بحث و گفتگو دارد. از جمله استنتاجات نادرست وی، حکمی است که در بند اول مقدمه کتاب آمده است:

«کشورهای صنعتی سرمایه‌داری از لحاظ مسائل کشاورزی، خصوصیات مشترکی دارند و تقریباً تمام مشکلاتشان یکسان است و احتمالاً ممکن است راه‌های مورد نظر در آنها باهمه اختلافات موجود بین سیاست کشاورزی انگلستان و فرانسه، نقاط مشترکی داشته باشند. و قائل شدن خصوصیات مشترک برای کشاورزی در کشورهای سرمایه‌داری مثل آمریکا، انگلیس و ژاپن دور از واقعیت به نظر می‌رسد چرا که دو کشور اخیر بافضای کشاورزی محدود اساساً با ایالات متحده قابل قیاس نیستند. اما نویسنده در بحث پیرامون آثار سوسید بر کشاورزی از موضوعی اصولی و منطقی برخوردار است. به عنوان نمونه نتایجی را که وی برای حمایت قیمتها «برمی‌شمارد، تقریباً در همه کشورها مصداق دارد. این نتایج عبارتند از:
- هزینه‌های دولت روز بروز بیشتر می‌شود و بعضی اوقات واقعا غیر قابل تحمل می‌شود.

- اجناس در انبارهای مختلف رو بهیم جمع می‌شوند.
- تولیدکنندگان ناراضی بنظر می‌رسند زیرا باقیمت‌هایی که دولت به آنها پیشنهاد کرده است، موافق نیستند.
محرور عمده مباحث کتاب را مسئله «حمایت قیمتها» و نقشی که دولت در این رابطه به عهده دارد، تشکیل می‌دهد به گمان نویسنده امروزه رابطه کشاورزی و سیاست بیش از گذشته شده است. دولت در بسیاری از امور مربوط به کشاورزی مداخله می‌کند. و از جمله: «دخالت دولت در امور اقتصادی در تمام کشورها تقریباً خصوصیات مشترک دارد. از بارزترین شکل این نوع دخالت، کاهش و تثبیت قیمت محصولات کشاورزی را می‌توان نام برد.» (ص ۱۷)
در بسیاری از کشورها، ماهیت «کشاورزی به گونه‌ای درآمده است که دخالت دولت در امور کشاورزی روز بروز بیشتر می‌شود، یکی از مهمترین ابعاد دخالت دولت را مسئله «حمایت قیمتها» تشکیل می‌دهد. به ویژه در کالاهای کشاورزی و محصولات غذایی.

در چند سال اخیر در فرانسه سهم بزرگی از هزینه‌های دولت برای کنترل قیمت‌ها برای کشاورزی صرف شده است. ولی چه کسانی از این کمک‌ها استفاده می‌کنند؟
«قیمت عمده این کمک‌ها، به جیب کشاورزان

سیاست کشاورزی

ژوزف کلاترمان
ترجمه
بهروز پاکدل

ثروتمندی ریخته می‌شود که احتیاج فوری به این پول ندارند. باید اذعان کرد که این سیاست روی پایه دولتی نشده است و برای کشاورزانی که زمین بیشتری در اختیار دارند و می‌توانند محصول را در حجم‌های زیاد عرضه کنند کمک‌های دولت برای آنها، یک درآمد اضافی است. ولی سیاست حمایت دولت از قیمتها برای خرده مالکان قابل توجه نیست و می‌توان گفت که فاصله کشاورزان خرده مالک و مالکان بزرگ روز بروز بیشتر می‌شود. (ص ۵۳)

گذشته از دخالت دولت در کشاورزی و نیز تغییر قیمت‌های حمایتی و آثار جانبی آن، از مسائل عمده دیگری که در این کتاب مطرح می‌شود می‌توان از مقایسه کوچک و بزرگ نام برد.

به اعتقاد نویسنده نه می‌توان گفت که ازوما و کپکی زیباست» و نه می‌توان از مزایای بی کم و کاست واحداً بزرگ قاطعانه سخن راند. مسئله «جمعیت متناسب» به روی در بخش کشاورزی، یکی دیگر از مسائلی است که در این کتاب مطرح می‌شود و پدیده مهاجرت از روستا به شهر ترک روستا و کاهش جمعیت روستایی به بحث گذاشته می‌شود. به اعتقاد مولف:

برای تقلیل تعداد کشاورزان فعال راه حلی که به نظر می‌رسد، ایجاد فعالیت‌های جنبی است که برای کشاورزان اشتغال‌زا باشد.

به طور خلاصه بهترین نتیجه‌ای را که نویسنده در کتاب می‌گیرد و فشرده و عصاره پیام وی این است که «راه‌های اصولی سیاست کشاورزی، در خارج مسائل کشاورزی است.»

کلام آخر در مورد این کتاب این است که کتاب «ژوزف کلاترمان» هم مسائل قابل توجهی را ارائه می‌دهد و هم اینکه از ترجمه‌های گیرا برخوردار است.

نشریات جدید

- ماهنامه بررسیهای بازرگانی - شماره ۷ - آذر ۱۳۶۶
- موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی
- مروج - شماره ۵ - آذر ۱۳۶۶ - نشریه سازمان تبلیغات کشاورزی
- صنعتگر - شماره ۵۴ - آبان ۱۳۶۶
- صنعت حمل و نقل - شماره ۶۲ - آذرماه ۱۳۶۶
- حسابدار - شماره ۳۶ آبان ۱۳۶۶ - ماهنامه انجمن حسابداران خبره ایران

- مجله اقتصادی - شماره ۹ - پانزدهم آذرماه ۱۳۶۶
- وزارت امور اقتصادی و دارایی
- گزیده مسائل اقتصادی و اجتماعی - شماره‌های ۷۰ و ۷۱ - آذرماه ۱۳۶۶ - وزارت برنامه و بودجه
- نوآوران - شماره ۲۰ - آبان ۱۳۶۶ - سازمان پژوهشهای ملی و صنعتی ایران
- جهاد - شماره ۱۰۴ - آذر ۱۳۶۶ - نشریه جهاد سازندگی



فرم اشتراک

اطلاعات

سیاسی - اقتصادی

نام و نام خانوادگی:

نام خانوادگی به تفکیک حروف:

نام خانوادگی:

شغل:

آدرس دقیق:

شماره تلفن:

کد پستی:

مطالعات و تحقیقات فرهنگی
به روش جدید